

چکیده:

۱- انسان با توجه به سرشت و طبیعت خویش، نیازمند امنیت؛ و به انواع حیل، در جستجوی آن است. او می‌خواهد بماند و به حیاتش تداوم و توسعه و تعالی بخشد. تمنای امنیت، هم در زندگی نوع بشر در تاریخ، و هم در فرآیندهای دوران کودکی، محسوس است.

بعضی از روان‌شناسان نیاز به ایمنی را بلافاصله پس از نیازهای فیزیولوژیک ذکر می‌کنند. بنظر آنها؛ تأمین و ارضای سالم نیاز امنیت، زمینه را برای جوانه زدن و سر برآوردن نیازهای متعالی‌تر مساعد می‌نماید و موجب خود شکوفایی و فعلیت آدمی شود. البته باید گفت که امنیت، منطقی دیالکتیکی دارد و در اثنای چالش و مخاطره به دست می‌آید.

۲- دین، با ایمان تحقق می‌یابد و ایمان از ریشه امن، و در واقع نوعی سازگاری روحی، روانی و ذهنی با کلیت هستی می‌باشد.

البته در کارکردهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی؛ دین از جنبه امنیت، مورد بررسی قرار می‌گیرد و بعضی آن را موجب نوعی ترس، وسواس، اضطراب، حساسیت و دلهره و نگرانی، و در واقع؛ استرس‌زا و تشویش‌افزا، و منشأ نوعی افسردگی و اختلال شخصیت و از خود بیگانگی، و آرامش ناشی از آن را نیزافیونی و تخریب‌آمیز و وهمناک دانسته‌اند و امنیتی را که ریشه در خود آدمی ندارد، بی‌ارزش و ناستوار یافته‌اند. اما برخی دیگر به فونکسیونها (کارکردهای) ایمنی‌بخش دین، ارزشی عملی قایل شده‌اند. برخی دین را موجب پدید آمدن تعصب، خشونت، اختلافات و مرزبندیهای اعتقادی و بیگانگی انسانها باهم؛ و نیز منشأ ستیز با تجدد و گریز از تغییرات و سلطه

بخش دوم: مقالات آرایه شده در همایش

● فصل چهارم:

امنیت از دیدگاه اسلام و سایر ادیان الهی

دین و امنیت

سازمانهای مذهبی بر علم و هنر و اندیشه و در مجموع مخالف با امنیت دانسته‌اند و برخی دیگر؛ آن را حافظ نظم و ثبات و امنیت و انضباط اجتماعی توصیف کرده‌اند. بطور کلی می‌توان گفت، با توجه به ساختار دین‌ها و برداشتهای مختلف از آنها؛ هر دو گروه، شاید عقایدشان صحیح باشد.

۳- از کاربرد کلمات، می‌توان نتیجه گرفت که قرآن به امنیت، اهمیت بسزایی داده است. این کتاب آسمانی بیشترین نقش و رسالت خود را درباره امنیت روحی و معنوی آدمی دانسته (۹۵/۲٪) ولی با رویکردی واقع‌بینانه و عقلایی به ایمنی عمومی سرزمن و امنیت جان و مال و حیثیت افراد در جامعه و امنیت بین‌الملل و ... نیز توجه کرده است. این موضوع در جدولی نشان داده شده است.

۴- در بسیاری از موارد، هنگامی که قرآن از امنیت اجتماعی یک دیار یاد کرده، بی‌درنگ از شاخصهای توسعه، مثل: فراوانی تولید کالاها، رواج رفت و آمد و ارتباطات، پیشرفت دانش و فن‌آوری، مسکن و شهرسازی، و آسایش و رفاه نیز سخن گفته است (موارد فوق نیز به تبع در جدولی آمده است). با توضیحاتی بیشتر درباره ارتباط سوره «فیل» و «قریش»، چنین نتیجه گرفته می‌شود که در منظر قرآن، «امنیت» ارتباطی متقابل با توسعه دارد.

۵- در ادیان، به نوعی توجه بسیاری به امنیت عمومی شده است. از نوشته‌های «اموات»، چنین برمی‌آید که، به اعتقاد انسانهای قبل از تاریخ؛ اگر کسی امنیت عمومی را به خطر اندازد، روحش ناپاک می‌شود و در پیشگاه خدا کیفر می‌بیند. در ادبیات زرتشتی، وظیفه الهی، کارگزاران؛ ایجاد امنیت، در کشور است و روان کسانی که مغایر با امنیت عمومی رفتار کرده‌اند، معذب خواهد بود. بر این موضوع، همچنین در دین یونان باستان، آیین بودایی و کتاب مقدس نیز تأکید شده است.

در بسیاری از احکام و مسایل شریعت محمدی نیز، به امنیت توجه جدی به عمل آمده است (که مواردی از آن در جدولی خاص مشاهده می‌گردد). از این بخش نتیجه خواهیم گرفت که انبیاء(ع)، ادبیات مذهبی هزاره‌های نخستین تاریخ جوامع را در

جهتی باز و قابل فهم، تعریف و تفسیر کرده‌اند که مردم بتوانند در پرتو امنیت، عدالت، معرفت، فضیلت، معنویت و حقیقت زیسته و نسبتاً از سلامت و سعادت و کمال مادی و معنوی برخوردار شوند. از جمله می‌توان به این موضوع اشاره نمود که: انبیاء الهی، در مضمون اعتقاد به خدا و آخرت؛ و در دل و ژرفای احکام و سنتها و شعایر، نظم و امنیت و ثبات اجتماعی را خواستار بودند.

۶- اما از همه مهمتر این است که امنیت ملی؛ بخصوص در حالتی درونزا و پایدار، مکانیسمهای اجتماعی ویژه‌ای لازم دارد و به گزاف فراهم نمی‌آید و تا موانع ساختاری از سرراه زدوده نشود، تحقق نمی‌یابد و اگر هم در ظاهر و چند صباحی بوقوع بپیوندد، بسیار شکننده و آسیب‌پذیر خواهد بود.

در بخش بازپسین این گفتار، برای نمونه به ده (۱۰) مورد از این کارکردهای ساختاری اشاره نموده‌ایم و در ضمن رویکردهای عقلایی موجود و نهفته در کتاب و سنت (مربوط به یک - یک این نکات) را مورد بررسی قرار داده‌ایم. نظم، ثبات و امنیت ملی ریشه دار، استوار و پویا؛ نیاز به ساختاری اجتماعی دارد که مقتضیات آن عبارتند از:

عدالت اجتماعی، تأمین اجتماعی، حل مسأله اشتغال، نبودن استبداد و خودکامگی و حکومت مطلقه، آزادی و حاکمیت مردم و مشارکت کامل آنها، سیستمی باز و افقی، دادگستری و دادستانی، توزیع دانایی و اطلاعات در جامعه، فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز در داخل و خارج، روش گفت‌وگو و اقناع متقابل، استفاده از نیروی فرهیختگان و دانایان، سازگاری اجتماعی، حل مسایل خاص جوانان، و کثرت در عین اتحاد و ...

۱- امنیت و معیشت؛

۱-۱. امنیت به مثابه یک نیاز:

امنیت یکی از نیازهای آدمی است و حیات فردی و اجتماعی بدان احتیاج مبرم دارد. با یک نگاه ساده و طبیعی به سرشت زندگی بشر، در خواهیم یافت که امنیت تا

چه اندازه‌ای برای او حیاتی است. قابل درک می‌باشد که انسان از همان بامداد زندگی خود در این سیاره؛ برای ایمنی خویش چاره‌جویی می‌کرده، به شکاف کوه‌ها پناه می‌برده، سلاح و خانه می‌ساخته، جامعه تشکیل می‌داده، قانون می‌نهاد، پیکار می‌کرده، نیایش می‌نموده، به جادو توسل می‌جسته و به انواع واکنشها، پیش‌بینی‌ها و تدابیر دیگر متمایل می‌گشته؛ که در همه آنها، امنیت به عنوان یکی از اهداف مهم زندگی به شمار می‌رفته است.

۱-۲. بگذار زندگی کنم:

این صدای آدمی است که از اعماق تاریخ تا به امروز، به گوش می‌رسد. زمزمه حیاتی او، بی‌وقفه در ترمم بوده است: «می‌خواهم بمانم». گویا رازی مکتوم در زندگی پنهان است که پیوسته از انسان می‌خواسته به حیات خود تداوم، توسعه و تعالی بدهد و به فکر ایمنی و امنیت خویش باشد.

۱-۳. جستجو امنیت در دو نمونه از فرآیندهای زیستی:

برای نمونه جستجو و تلاش در جهت نیل به امنیت، در دو فرآیند زیستی، در جدول ذیل نشان داده شده است:

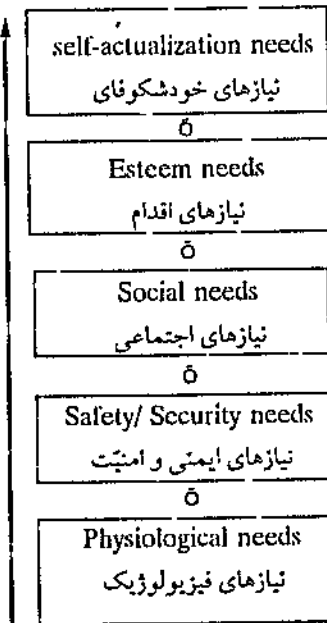
نمونه‌ای از جستجوی امنیت در دو فرآیند زیستی

الف) زندگی نوع بشر در دورانه‌های نخستین تاریخ.	ب- دوران کودکی.
- آدمی را در برابر محرکهای ذیل در نظر بگیرید:	مشکل کودک فقط سایقه‌های بیولوژیک مشخصی مثل؛ گرسنگی نیست. او می‌خواهد به مادرش اطمینان کند. پناهگاه عاطفی داشته باشد، احساس امنیت و مراقبت نماید و نگرانی خود را تخفیف دهد. دور شدن از مادر، برای وی مهم است، بنابراین واکنش نشان می‌دهد. برابر مکانها و افراد ناآشنا، عکس‌العمل‌های ترس‌آلود دارد.
* «فسیل»	و اما آزمایش «هاری هارلو»:
* «طوفان»	برای بچه میمونها، دو نوع مادر مصنوعی ساخته شد: یکی از سیم با پستانکی از شیر، آماده و مهیا برای تعدیه؛ و دیگری با پوششی نرم و گرم بدون غذا.
* «رعد و برق»	بچه میمونها بیشتر، «مادر پارچه‌ای» را بغل می‌کنند و حتی هنگام گرسنگی از آغوش «مادر پارچه‌ای»، دراز شده و با استفاده از پستانک «مادر سیمی» غذا می‌خورند. بچه میمونها وقتی حشره‌ای می‌بینند به «مادر پارچه‌ای» پناه برده و آن را در آغوش می‌گیرند. ^(۱)
* «حیوانات وحشی»	
* «تاریکی شب»	
* «آتش سوزی در جنگل»	
* «قبایل مهاجم»	
* «تجاوز به حریم مالکیت خصوصی»	
* «قتل»	
* «تجاوز به ناموس و حیثیت»	
* «سحر و جادو»	
* «نیروهای اهریمنی»	
* «ارواح شریر»	
* «خشم خدایان»	
* «حرکت افلاک و ...»	
- اما پاسخ او چه بوده است؟	
جستجوی ایمنی و امنیت.	

۱-۴. جایگاه امنیت در سلسله مراتب نیازها و انگیزه‌ها:

نیازها (needs) و انگیزه‌های (Motives) آدمی، مواد و مصالح اصلی زندگی او را تشکیل می‌دهند. موارد فوق به تعبیری، فنرهای اصلی رفتار و شخصیت به شمار می‌روند که تعادلی حیاتی بشر [Homeostasis] مستلزم برقراری نوعی هارمونی (نظم و آهنگ) در بین آنها می‌باشد.

«مزلو» در شرحی که از سلسله مراتب نیازهای انسانی به دست داده، پس از نیازهای فیزیولوژیک مانند: گرسنگی و تشنگی و... بلافاصله «نیاز ایمنی و امنیت» را ذکر کرده است (safety/security need). بنظر او تأمین و ارضای سالم این نیازهای اولیه، زمینه را برای جوانه زدن و سر برآوردن نیازهای متعالی‌تر مساعد می‌کند و موجبات «خودشکوفایی انسان» (Self-actualization) را فراهم می‌آورد (۲).



جدول سلسله مراتب نیازها که در سال ۱۹۴۳ توسط «مزلو» مطرح شده است: (۲ مکرر)

Maslow, A Theory of Motivation, Psychological Review
vol 50, 1943.

۱-۵. منطق دیالکتیکی امنیت:

همان طور که از سطور پیش نیز بر می‌آید، امنیت در واقع منطق دیالکتیکی و پویا دارد و نه مفهومی استاتیک و ایستا. به عبارتی، این چنین نیست که انسان، بی‌کنش و کوشش و بدون درگیری و پویش؛ آسوده خاطر باشد و در سایه امنیت زندگی کند. بلکه او در آزمون حیات دریافته که باید امنیت را در اثنای چالش و مخاطره بجوید و بهای سنگینی نیز برای آن پردازد و در واقع از جان مایه بگذارد.

۲- امنیت و دیانت؛ از نظر جامعه‌شناختی و روان‌شناختی:

۲-۱. عنصر سازگاری در ایمان و جستجوی امنیت با آن:

رفتارهای دینی، بخشی از تکاپوی حیاتی بشر را تشکیل می‌دادند و به عبارتی، فکر و باور دینی و احساسات و علایق مذهبی؛ از ارکان اصلی زندگی او به شمار می‌آمدند. دین با «ایمان» تحقق می‌یابد و ایمان نیز از ریشه «امن» نشأت می‌گیرد.

انسان از همان آغاز که پا به عرصه این سیاره نهاده؛ با دغدغه‌ها، نگرانیها و کنجکاویهایی روبرو بوده و چه بسا که با «ایمان» سعی داشته تا به نوعی سازگاری روحی، روانی و ذهنی با کلیت هستی دست یابد. یا به عبارت دیگر با هستی و حیات ارتباط معنوی برقرار نماید، سزای در آن بجوید و سعی کند: «بودن» را بفهمد و با آن و در آن رابطه معنی‌داری بیابد. ایمان؛ ترکیبی از پذیرش ذهنی و گرایش قلبی، و در واقع نوعی انتظار، توقع و تصمیم بوده است. کسی که ایمان می‌آورد، انتظار نیز دارد که وجودش از پوچی، تهی‌بودن و سیاهی؛ رهایی یابد و رازی و معنایی و نوری اهورایی در ایمان بیابد. او مطمئن و دل‌آرام می‌گردد و وقتی که مشاهده می‌نمود راز کمال، خلاقیت و الوهیتی قدسی در عالم و آدم موج می‌زند و جلاء و جلالتی پراحتشام در آن تجلی می‌یابد. از این طریق بود که فرد مؤمن، به نوعی احساس امنیت و آرامش دست می‌یافت.

این احساس می‌تواند در آدمی از یکسو؛ واکنشی از سر ادب، احترام، خضوع و خویشنداری؛ و از سوی دیگر حالتی سرشار از انس و دوستی، عشق و پرستش و شور

و نشاط و محبت و دلشدگی پدید آورد و کارکردهای متنوعی داشته باشد که برای مثال می‌توان به کارکردهای ذیل اشاره کرد:

الف- کارکردهای اخلاقی، مانند: فروتنی، ترک استکبار و ...

ب- کارکردهای ذهنی، مانند: حالتی از وحدت و اقناع ذهنی و احساس معقولیت و معنی‌داری و ...

ج- کارکردهای اجتماعی، مانند: حس مسئولیت و انضباط و پرهیز از تجاوز به حقوق این و آن و ...

د- کارکردهای روانی، مانند: نوعی رضایت خاطر، روح سپاسگزاری، توکل، امید و اطمینان و ...

- و سرانجام آنچه موضوع بحث ما در این مقال است یعنی:

دستیابی به احساس امنیت و کاهش استرس (فشار و تنش)، تشویش و اضطراب و نگرانیهای روحی.

گویا برای همین است که خدا در برخی از آیینها؛ «نام بزرگ» یا «بدر آسمانی» نامیده شده^(۳) و در قرآن یکی از اسماء حق تعالی: «مؤمن، ایمنی بخش و امنیت دهنده» به شمار می‌آید.

برخی دیگر از نامهای الهی که در قرآن به کار رفته، دارای مضمونی از «امنیت بخشیدن» می‌باشند: ماتد خیر حافظ / خیر الحاکمین / خیر الماکرین / خیر الناصرین / ذولرحمة / ذوالفضل / ذومغفرة / واسع المغفرة / سمیع الدعاء / غافر الذنب / قابل التوب / نعم المولی / نعم النصیر / نعم الوکیل / الثواب / الحفیظ الحکیم / الحلیم / الرؤف / الرحمان / الرحیم / السلام / السمع / الشاکر / الشفیع / الشکور / الصادق / العفو / العفار / الفتاح / القیوم / الکافی / المجیب / المستعان / المهمین / الولی / النصیر / الواسع / الودود / الوکیل و ...

در سایر ادعیه اسلامی نیز، خداوند با نامهایی چون: غیاث المستغیثین، جوار المستجیرین، مستب الاسباب، مفتاح الابواب، سامع الاصوات، مجیب الدعوات و

... نیایش شده است که این القاب بر این امر دلالت دارند که انسان با جستجوی خدا؛ در پی ایمنی و امنیت بوده است.

۲-۲. اختلاف در جنبه‌های مثبت و منفی کارکردهای روان‌شناختی دین از لحاظ امنیت:

در سطور پیش گفتیم که احساس مذهبی می‌توانسته در انسان احساس امنیت را جاری سازد. اما قید «می‌توانسته» از این جهت به کار رفته که، ممکن است احساس مذهبی؛ نوعی ترس و دلهره و نگرانی و ناامنی را نیز برای بشر به وجود آورد: ترس از خشم و کین خدایان، بازی ارواح و اهریمنان با سرنوشت انسان، و دلهره نسبت به اسرار پیچیده لوح و فلم و تقدیر آسمانی و از همه سنگین‌تر؛ کيفری جاویدان که ممکن است در انتظار آدمی باشد. در این صورت است که اعتقاد مذهبی می‌تواند خود از جهتی، استرس‌زا (فشار آور)، تشویش‌افزا و رعب‌انگیز باشد.

به خاطر همین است که، درباره کارکردهای روانی دینداری؛ اختلاف نظری مشاهده می‌شود. بطوری که برخی جنبه‌های مثبت قضیه و برخی نیز به ابعاد منفی آن اشاره نموده‌اند. «اپیکور»، فرزانه یونانی (۲۷۰-۳۴۱ ق.م) که به منطق «منفعت، لذت، آرامش، شادمانی و مسرت در ساختار و سرشت زندگی»؛ معتقد و بازبرکی به آن اصرار می‌ورزید، برای اینکه ترس و اضطراب را از جان و دل مردم بزدايد، سعی داشت تا برایشان توضیح دهد که: خدایان با خودکامگی، برای آنها سرنوشتی رقم نمی‌زنند و ارواح نیز در کارشان هیچ مداخله‌ای نمی‌کنند؛ بلکه این موارد، توهمات و تخیلاتی خرافه‌پیش‌نیستند که دلهره و نگرانی مردم را به وجود می‌آورند^(۴).

در همین راستا نیز، «فروید» بر این اعتقاد بود که: زیانها و خسرانهای دین کمتر از منافع آن نیست و چه بسا که نه تنها آرامش‌بخش نباشد بلکه وسواس، دلهره، حساسیت، افسردگی، اضطراب و اختلال شخصیتی را هم به بار آورد.^(۵) «ژان گیتون» با اینکه خود فیلسوفی مسیحی و متأله (عابد) است و بر ایمان به خدا تأکید می‌ورزد، اما

اعتقاد به معاد، بخصوص جهنم را موجب نوعی تشویش و احساس ناامنی در آدمی می‌داند. وی که به خدا ایمان دارد در گفت‌وگوی خود با «ژاک لائوزن» (که معتقد به خدا نیست) چنین اعتراف می‌کند: «امکان رفتن به دوزخ که در شش سالگی در ذهنم پرسوخ کرد، زندگانیم را تیره و نار ساخت... این فکر که ورطه‌ای بنام دوزخ وجود دارد و تیز نوعی پاداش که بهشت نامیده می‌شود و هر شب ممکن است آدم به عمق این ورطه پلغزود و یا به بهشت بر شود، چیزی وحشتناک می‌باشد».

این گونه مسایل چندین بار بیان شده است بویژه از سوی «لوکرس»، که در (De Nature Rerum) چنین گفته که: می‌بایست قبل از هر چیز، مردم مذهبی را از مذهب رهانید تا سرانجام آنان به خوشبختی راه یابند. وی سپس به «ژاک لائوزن» - که به خدا ایمان ندارد - می‌گوید: «شما چون آدمی دست به گزینش می‌زنید که بین دو راه، یکی را انتخاب می‌کند... من بین یک راه و یک چاه دست به گزینش می‌زنم».^(۶) بنظر «فوئر باخ»، مردم با چشم دوختن به خدا و آسمان، از خود و استعداد های خویش بیگانه شده و از جمله: «امنیت» را نیز در بیرون از خود می‌جویند و در نتیجه ایمنی آنها، تخدیر آمیز، وهمناک و مانند سراب ناپایدار است. «مارکس» نیز در همین راستا، دین را «افیون توده‌ها و آه ستم‌دیدگان» می‌داند. از این منظر، امنیت و ایمنی خاطر آدمی وقتی استوار می‌شود که، در ذهن و جان و دل خود او ریشه بدواند و از درون او بجوشد و به خویشتن‌یابی و اعتماد به نفس و دانش و توانایی و تدبیر و پیش‌بینیها و نکاپوهای مثبت، خلأق و امیدوارانه خود او بینجامد.

با تمامی این اوصاف، افراد دیگری مثل: «بونگ»، «ویلیام جیمز» و دیگران به جنبه‌های امنیت بخش دین و ایمان انگشت گذاشته‌اند. «ویلیام جیمز» روان‌شناس آمریکایی، فایده دینداری را چنین توصیف می‌کند: «هنگامی که در نبرد زندگی، همه امیدها بر باد می‌رود و وقتی که دنیا به آدمی پشت می‌کند؛ احساسات مذهبی، دست‌اندرکار شده و در اندرون ما، چنان شور و هیجانی بر پا می‌سازد که ما را جوان کرده و زندگی درونی ما را که تیره و نار بوده است، دگرگون می‌سازد... به "دارالامن

مذهب» که رسیدیم، خواهیم دید که از همه تلاشها و ناراحتیها، گذشته و در جلوی خود آینده‌ای از سعادت ابدی مشاهده می‌کنیم؛ انجایی که سرود دل‌انگیز هماهنگی جهان هستی، مدام گوش ما را نوازش می‌دهد...^(۷)

۲-۳. اختلاف در جنبه‌های مثبت و منفی کارکردهای جامعه‌شناختی دین از لحاظ امنیت:

موضوع مورد بحث، به لحاظ جامعه‌شناختی نیز با اختلاف نظر مواجه است کسانی، دین را از جنبه کارکردهای اجتماعی آن، تهدیدی برای امنیت دانسته‌اند و اشخاص دیگر؛ منشأ امنیت، دسته اول گفته‌اند که، مذهب موجب پدید آمدن تعصب، خشونت، اختلاف و فرقه‌گرایی؛ موجب ایجاد مرزبندیهای اعتقادی و بیگانه ساختن انسانها نسبت به هم و دامن زدن به جنگ و خونریزی؛ سبب ستیز با تحدّد و گریز از تغییرات و ناسازگای با دگرگونیهای فرهنگی و اجتماعی می‌شود که تمامی این موارد، مغایر با امنیت است. چه بسا که سلطه و اقتدار سازمانهای دینی بر جامعه، موجب به خطر افتادن امنیت اندیشمندان، دانشوران، هنرمندان، منتقدان اجتماعی، حق‌طلبان، آزادیخواهان، نوآوران و پرسشگران شود و فراغت و آسودگی خاطر و حتی حیات دگراندیشان و اقلیتها و منتقدان دین را تهدید نماید. این گروه از صاحب‌نظران، معمولاً به تجربه قرون وسطا و تفتیش عقاید و نمونه‌هایی مثل «حلاج»، «جوردانو برونو» و «گالیله» و ... اشاره می‌نمایند.^(۸)

در مقابل این گروه، دسته دوم از کارکردهای مثبت دین برای نظم و امنیت اجتماعی سخن به میان می‌آوردند. «ویلیام رابرتسون اسمیت» در گفتارهایی درباره دین اقوام سامی؛ چنین توضیح داده که دین از دیرباز، حافظ مقررات و نوامیس و نظم اخلاقی جامعه بوده است.^(۹) «فوسل دوکولائز» در تمدن قدیم «امیل دورکیم» در صورت ابتدایی زندگی مذهبی نیز، شرح داده‌اند که: دین، ریان مشترک اخلاقی جامعه برای ثبات و امنیت، و عاملی انضباط‌بخش و انسجام بخش سوده است.^(۱۰) «تالکوت پارسنز»، پایه‌گذار «جامعه‌شناسی کارکردگرا» در آمریکا نیز، بر آن است که دین با نفوذ

در احساسهای مردم، مُمدّ (باری کننده) قواعد و نظامات سلوک اجتماعی است. (۱۱)

۲-۴. نتیجه:

نتیجه‌ای که از این مختصر می‌گیریم آن است که: رابطهٔ دین با امنیت، مشروط و نسبی است و نه مطلق و قطعی. در یک حالت؛ دین، ایمنی بخش است و در حالت دیگر امنیت ستیز. که البته این موضوع، بستگی دارد به اینکه؛ کدام دین با چه تعالیم، و کدام پیروان با چه روحیاتی در میان باشد و طرز تلقی پیروان از دینشان چه بوده و شرایط و اوضاع و نیز برداشتها و آموزشها از چه قرار است.

۳- امنیت و قرآن:

۳-۱. بسامد و توزیع فراوانی کاربرد مادهٔ امنیت در قرآن / و معنی شناسی آن:

مادهٔ ایمنی و امنیت، کاربردی نسبتاً فراوان در مقایسه با مجموع آیات قرآنی دارد. از مجموع: ۶۲۳۶ آیهٔ قرآن، در حدود ۸۵۱ مورد (یعنی ۱۳/۶٪) آن؛ مادهٔ ایمنی و امنیت به کار رفته است که این نکته نشانگر اهمیتی است که از منظر قرآنی؛ موضوع امنیت برای آدمی دارد. از جمع؛ ۸۵۱ مورد مادهٔ امنیت به کار رفته در قرآن نیز، بیشترین مقدار یعنی ۸۱۱ بار (۹۵/۲٪) آن مستقیماً به معنای ایمنی روحی و معنوی (کلمهٔ ایمان و مشتقات آن) می‌باشد که این موضوع هم حکایت از آن دارد که: قرآن بالاترین نقش و کارکرد خود را متوجهٔ امنیت روحی و معنوی آدمی نموده است. اما افزون بر این، دربارهٔ ابعاد و جنبه‌هایی دیگر از «امنیت» نیز در این کتاب سخن به میان آمده است برای مثال:

ایمنی عمومی سرزمین، ایمنی از ترس و وحشت، امنیت افراد در جامعه، امنیت جانی، ایمنی بودن از بابت امانتها و دارایی، ایمنی از بلاها، امنیت بین الملل و ... تمامی این اشارات، نشاندهندهٔ رویکرد واقع‌بینانه و عقلایی قرآن به منطق حیات و

زندگی می‌باشد. فراوانی کاربرد مادهٔ امنیت در قرآن و معنی‌شناسی آن را می‌توان به تفکیک موضوعی در جدول ذیل بطور مبسوط توضیح داد:

«فراوانی کاربرد مادهٔ امنیت در قرآن و معنی‌شناسی آن»

ردیف	موضوع	موارد کاربرد	مجموع تعداد کاربرد
۱	ایمنی عمومی سرزمین	۱۲۶/یسقره، ۹۷/آل عمران، ۳۵/۶ مورد ابراهیم، ۱۱۲/زحل، ۸۲/حجر، ۱۴۶/شعرا،	۶
<p>نمونه: وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَاتٍ مِّنْكَ إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۲۶/یسقره). (و آن‌گاه که ابراهیم گفت پروردگارا، اینجا را سرزمینی امن قرار بده).</p> <p>توضیح: ایمنی عمومی یک سرزمین، حالتی مطلوب و از مهمترین خواسته‌ها و آرزوهای ابراهیم (ع) برای فرزندان خویش بود که در نیایش خود، آن را از خدا می‌خواست و از این موضوع بر می‌آید که: ابراهیم پیامبر، توجه دارد که یک جامعه، بیش از هر چیز باید از امنیت برخوردار باشد.</p>			
۲	ایمنی از ترس و وحشت	۴/قریش، ۵۵/نور،	۲
<p>نمونه: وَأَمِّنْهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴/قریش). (و ایمنی بخشید آنها را از ترس). توضیح: همان‌طور که قبلاً گفته شد؛ یکی از صفات خداوند، مؤمن (امنیت بخش) است. می‌خواهد مردم جامعه، بدون ترس و وحشت و در کمال اطمینان و امنیت زندگی کنند. وقتی به مردم مکه توصیه می‌نماید که، پروردگار کعبه را بپرستند، نیز اضافه می‌کند: همو که آنها را از گرسنگی رهانیده و از ترس ایمنی بخشید. (فلیصبدوارت هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و افهم من خوف) (۲۰۴/قریش) و هنگامی که به مؤمنان، نوید بک زندگی مطلوب می‌دهد از مهمترین ویژگی‌های آن، یکی نیز این را می‌داند که بجای ترس و رعب و اختناق، در آن امنیت وجود دارد. (و لیبدلنهم من بعد خوفهم اماناً) (۵۵/نور).</p>			
ردیف	موضوع	موارد کاربرد	مجموع تعداد کاربرد

۳ | امنیت افراد در جامعه | ۹۹/ یوسف، ۱۸/ سبأ، ۶/ توبه، ۳۱ مورد
 نمونه: ادخلوا مِصرَ انْ شَاءَ اللهُ اَمْنِینَ (۹۹/ یوسف).
 (در آید به مصر، به خواست خدا، در حال امنیت).
 توضیح: یوسف (ع) زندگی در مصر را برای کسان خود به این دلیل می‌پسندد که دیگر استبداد و خودکامگی و طغیان و تجاوز فرعونی برگردۀ آنها سنگینی نخواهد کرد و آنها از آزادی و امنیت فردی و اجتماعی، و موهبت حیات سالم انسانی بهره‌مند خواهند شد.
 همچنین قرآن به شهرهایی اشاره می‌کند که: مردمان می‌توانند «شب و روز در کمال امنیت در آن سیر و مسافرت کنند» و بگردند و رفت و آمد نمایند (سُورُوا فِیْهَا لَیَالِیَ وَ اَیَّامًا اَمْنِینَ ۱۸/ سبأ).
 ۴ | امنیت جانی | ۱۱/ یوسف، ۶۴/ یوسف، ۳۱ مورد
 ۳/ قصص
 نمونه: در گفت و گویای یعقوب با فرزندانش؛ امنیت جان انسان، به عنوان یک موضوع مهم، مورد توجه و تأکید آن پیغمبر قرار گرفته است.
 ۵ | ایمن بودن از بسابت | ۲۸۳/ بقره، ۷۵/ آل عمران، ۲ مورد
 امانتها و دارایی (امنیت)
 داد و ستدها و هرگونه
 گردش و انتقال ثروت در
 جامعه
 نمونه: فَاِنْ اَمِنَ بَعْضُكُمْ فَلَیْؤَدُ الَّذِیْ اَوْثَمِنَ اَمَانَتَهُ ۲۸۳/ بقره).
 (پس اگر بعضی از شما به بعضی اطمینان کرد، باید کسی که سپرده‌ای به او سپرده شده، به امانت ادا کند).
 توضیح: قرآن به امنیت «مال» مانند: امنیت جان؛ اهمیت فراوانی فایده‌ی بخش مهمی از امنیت انسان، وقتی تحقق می‌یابد که دارایی و حقوق مالی او در ساختار اقتصادی جامعه و جریان مبادلات ثروت، از تضمینها و اطمینانهای کافی برخوردار باشد و مردم بتوانند اموال خود را بدون دغدغه و نگرانی از چرخه‌های اجتماعی به کار و گزارش اندازند و با اعتماد کامل، فعالیت و مشارکت کنند.

۶ | ایمنی از سوانح و بلاها | ۹۷، ۸۱/ اعراف، ۴۵/ احل، ۹ مورد
 ۶۸/ اسراء، ۶۹/ اسراء، ۱۶/ ملک،
 ۱۷/ ملک، ۹۹/ اعراف،
 ۱۰۷/ یوسف،
 نمونه: اَقَامَنَ الَّذِینَ مَكَوُوا اَلْسِیْنَاتِ اَنْ یُخْسِفَ اللهُ بِهَمُ الْاَرْضَ (۴۵ نحل).
 (آیا آنان که بدیها را مکر کردند، ایمن شدند از اینکه خداوند آنها را در زمین فروبرد).
 توضیح: بخشی از نیاز امنیت مربوط به ایمنی از حوادث و سوانح طبیعی و اجتماعی می‌باشد و قرآن این نیاز انسانی را خیلی جدی گرفته است.
 ۷ | امنیت بین الملل | ۹۱/ نساء، ۱ مورد
 نمونه: سَتَجِدُوْنَ اٰخِرِینَ یُرِیدُوْنَ اَنْ یَأْمَنُوْكُمْ... (۹۱/ نساء).
 (به زودی دیگرانی را بیابید که می‌خواهند از شما ایمنی داشته باشند).
 توضیح: این عرف سالم بین اقوام و ملل و گروه‌های اجتماعی، در قرآن به درستی مورد تلقی قرار گرفته مبنی بر اینکه: هر مجموعه‌ای می‌خواهد از ناحیه مجموعه دیگر، در کمال ایمنی زندگی کند و مرزها و حریم و تمامیت آنها و سرزمینشان محفوظ بماند.
 ۸ | لزوم امنیت برای انجام مناسک و عبادات | ۱۹۷/ بقره، ۲۳۹/ بقره، ۲ مورد
 (بقیه: جدول فراوانی کاربرد ماده امنیت در قرآن و معنی شناسی آن)
 ردیف | موضوع | موارد کاربرد | مجموع تعداد کاربرد
 نمونه: فَاِذَا اَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ کَمَا عَلَّمْتُمْ (۲۳۹/ بقره).
 توضیح: انجام عبادات و مناسک دینی، مسلزم امنیت است و بدون وجود امنیت؛ خدشه‌دار می‌گردند و آن چنانکه شایسته است بطور کامل ادا نمی‌شوند. انتظار خداوند از بندگانش نیز در این حد می‌باشد و برای همین است که می‌فرماید: «وقتی امنیت دارید، عبادت را همان‌طور که خداوند تعلیمتان داده، انجام دهید» مفهوم

مخالف این موضوع، چنین است که، وقتی امنیت نیست؛ انتظاری نیز نیست که مردم مثل: شرایط عادی، فرصت و انگیزه و امکان انجام دادن عبادات را بطور کامل داشته باشند.

۹ | معابد: مرکز ایمنی و امان | ۵۷/قصاص، ۶۷/عنکبوت، ۲۱ مورد
و امنیت | ۲۷/فسخ، ۱۲۵/بقره

نمونه: **أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا وَ يُتْحَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ (۶۷ عنکبوت)**.
(آیا ندیدند که ما حرمی امن قرار دادیم، در حالی که مردم در پیرامون آنها به انواع قتل و غارت و سلب امنیت و حقوق و آزادی هایشان ر بوده می شوند).

توضیح: نام «حرم» خود دلالت به حرمت و احترام دارد. در دوره‌هایی پُر از غارتگری و آشوب؛ مقرر شده که در آنجا، به صورت سمبلیک (نمادین)، حریم جان و مال و حیثیت مردمان و حتی حیات حیوانات در امان باشد تا نشانگر، اهمیت امنیت عمومی در زندگی باشد.

نه تنها کعبه، بلکه به بعضی مراکز دینی دیگر در میان مسلمین نیز حرم گفته شده است؛ مثل: حرم سیدالشهدا (ع). نه فقط در میان مسلمین بلکه در سایر آیینها نیز معابد، محل امن و امان تلقی می شوند، معابد بودایی همیشه پر از حیوانات است.

۱۰ | ایمنی روحی و معنوی | نمونه‌های بسیار (۸۱۱ مورد) | ۸۱۱ مورد
[ایمان]

نمونه: **الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ (۸۲/انعام)**.
(آنها که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستم در نیامیختند؛ راستی که ایمنی، آنان را سب).

توضیح: امنیت جان و مال و حیثیت و ایمنی از سوانح و .. برای شکوفایی و فعلیت آدمی کافی نیست؛ بلکه بالاتر از آن؛ امنیت ذهنی، روحی و دلاری معنوی است که ایمان می تواند در این جهت کارساز و مؤثر باشد.

امنیت در بیرون از من پایدار نیست. امنیت باید از متن هستی «خود من» بچرخد و در جان و دل من ریشه بدواند؛ تا آرامش و طمأنینه (آسایش) ایمنی خاطر و دلاری از سرچشمه روح انسان فوران نکند و تعارض و پریشانی و احساس پوچی و تنهایی و نگرانی و بی معنایی و فنا، از صفحه ذهن و جان رخت برنبدد. زیرا که اگر امنیت و

آرامش در آن برقرار نشود کاری از امور بیرونی بر نخواهد آمد.

۱۱ | ایمنی اخروی | ۴۰۱/فضلت، ۸۹/نحل، ۳۷/سبا، ۵ مورد
| ۴۶/حجر، ۵۵/دخان،

نمونه: **وَهُمْ مِنْ فَرَعٍ يَقْرَمِيذِ امِثُونِ (۸۹/نحل)**. (و آنها از هراس آن روز، ایمن نخواهند بود).

توضیح: بهشت (وهشیت انگهون: بهترین مرتبه زیستن) توصیفی تمثیلی و نمادین از یک الگوی ایده آل (آرامانی) زندگی می باشد و به همین دلیل برای مردمی که در ریگزارهای تفتیده و خشک جزیره العرب می زیستند، در مدل جنت (پوشیده از درخت و سبزی) بیان شده است. بنابراین هر یک از اوصاف بهشت به عنوان وصفی از بهترین الگوی زیستن (بهشت)، می تواند قابل تأمل باشد و از جمله این اوصاف؛ «امنیت و ایمنی» است که در قرآن برای بهشتیان ذکر شده است.

۳-۲. نسبت امنیت با توسعه در قرآن:

با تأمل در آیات قرآن، به نکته‌ای ظریف پر می خوریم. در خیلی از موارد که قرآن از امنیت اجتماعی یک دیار، یاد کرده؛ بی درنگ از وفور و فراوانی رزق و روزی مردم آنجا، کثرت و رواج رفت و آمد دیگران به آنجا، پیشرفت دانش و فن آوری، مسکن و شهرسازی، تولید کالاها و پیشرفت کشاورزی و آسایش و عیش نیز سخن گفته است و این بدان معنی می باشد که امنیت می تواند پیش شرطی جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی گردد بدین صورت:

$$D_{\text{evelopment}} = F(S_{\text{ecurity}})$$

این موضوع را در جدول ذیل توضیح می دهیم:

ردیف	امنیت	توسعه
۱	و ضرب الله مثلاً قریه کانت امنة مطمئنة	با تها رزقها رغداً من کل مکان ابوده. (۱۱۲/نحل)
	(و خداوند مثل زده او روزی آن به فراوانی از هر جا	تولید و تغذیه.

	است قریه‌ای که در امنیت و اطمینان بود	۲
<p>● ائتلاف و همبستگی اجتماعی،</p> <p>● تکاپوی اقتصادی و تجاری آنان و کوچ زمستانی و ناپستایشان؛ (صادرات و پس‌خداای این‌خانه را بپوستند، واردات).</p> <p>● شکوفایی معنوی و فرهنگی.</p> <p>● زایل شدن گرسنگی و ترس از جامعه.</p>	<p>الم تریف فعل ربک فیضیل</p> <p>لا یسلاف قریش ایلافهم رحلة الشعلة والصفی فلیصدوارت هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و امنهم من خوف (دو سوره فیل و قریش) برای ائتلاف قریش، اختلاف قریش) برای کوچ زمستانی و ناپستایشان؛ (صادرات و پس‌خداای این‌خانه را بپوستند، واردات).</p> <p>همان‌که از گرسنگی‌شان رهانیده و از ترس ایمنشان ساخت.</p>	<p>۲</p> <p>(آیا ندیدی که پروردگار تو با پیلداران چگونه رفتار کرد، پس توطئه آنها را در سردرگمی نهاد....</p>
<p>● محصولات غذایی کافی.</p>	<p>و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً (و آن‌گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا این‌جا را سرزمین امن قرار بده)</p>	<p>۳</p>
<p>● رواج جهانگردی و تورسم (گردشگری).</p>	<p>و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا البلد آمناً (و آن‌گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا این‌جا را سرزمین امن قرار بده)</p>	<p>۴</p>

<p>● توسعه سیاحتی و زیاری</p> <p>● افزایش ثروت و رفاه.</p>	<p>... و دل‌های مردمان را به سوی آنها راغب و مایل گردان و آنها را از میوه‌ها و محصولات روزی کن.</p> <p>(و آن‌گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا این سرزمین را امن کن</p>	
<p>● رید - زرش امکانات از بیرون</p> <p>● رونق و تقویت ارزی.</p> <p>● دانش و فن‌آوری.</p> <p>● مسکن و شهرسازی.</p>	<p>اولم نمکن لهم حرماً آمناً (آیا ندیدند که ما برایشان حرمی امن قرار دادیم</p> <p>بجیبی الیه ثمرات کل شیء (۵۷) / (آیا نمانندند که ما برایشان حرمی امن قرار دادیم</p> <p>که از هر نوع میوه و محصول بسوی آن‌ها گرد می‌آید).</p> <p>و کانوا ینحتون من الجبال یوتاً آمینین و آنها از کوه‌ها خانه‌هایی می‌ساختند در حال امنیت.</p>	<p>۵</p>
		<p>۶ (۸۲/ حجر)</p>

<p>● توسعه کشاورزی.</p> <p>● توسعه اقتصادی.</p> <p>● توسعه فنی و شهری.</p> <p>● عیش و آسایش.</p> <p>● اوقات فراغت.</p>	<p>فی جنات و عیون و زروع و نحل طلعتها هضیم و تنحتون من الجبال بیوتاً فارهین (۹-۱۴۶ شعرا) (آیا تصور می‌کنید که در این حال سرشار از امن و امان باقی می‌مانید، در باغها و چشمه‌سارها و مزارع و نخلهایی با شکوفه زیبا؛ که از کوه‌ها، خانه‌هایی ساخته و با آسودگی به آسایش می‌پردازید؟)</p>	<p>۷</p> <p>اتترکون فی ماهیننا امنین</p>
--	--	--

۸	سیروا فیها لیلالی و ایاماً امنین (۱۸) * تحزک اجتماعی ارتباطات توسعه (گردشگری) اوسیر و سیاحت.
---	--

* برای پرهیز از اطالة کلام، به عنوان نمونه؛ تنها به توضیح یک مورد از جدول (ردیف ۲) بسنده می‌کنیم:

می‌دانیم که دو سوره «قریش» و «فیل» به لحاظ موضوع باهم ارتباط دارند، در واقع سوره «قریش» ادامه مطلبی است که در «سوره فیل» آمده است. در سوره «فیل» سخن از فعل پروردگار با پیلداران متجاوز و بدنتیت رفته است که تمامیت ارضی یک سرزمین و حق حاکمیت مردم آنجا را زیر پا گذاشته و به مکه هجوم آورده بودند. مبدأ کردگاری، توطئه آنها را عقیم و ناکام گذاشت. در اینجا حق تعالی را مدافع ایمنی عمومی یک سرزمین و امنیت مردم می‌بینیم. آن‌گاه در سوره «قریش» توضیح بیشتری داده شده است. سؤال این است که: چرا خدا با پیلداران چنان کرد؟ سوره «قریش» پاسخی به این پرسش می‌باشد: حمایت و جانبداری خداوند از امنیت مکه، برای ائتلاف اجتماعی باهم و با دیگر ملل؛ جهت رواج داد و ستد و تجارتشان و برای تحزک و توسعه اقتصادی آنها بوده است (لا یلاف قریش ایلانهم رحلة الشتاء والصیف). سپس به عبادت خدایی فرا می‌خواند که مبدأ تغذیه و امنیت و مخالف با گرسنگی و ترس و وحشت مردمان است (فلیصدوا رت هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و امنهم من خوف).

از این آیات نتیجه می‌گیریم که: اگر امنیت مکه تأمین نمی‌شد (فعل پروردگار با پیلداران)، مکیان نمی‌توانستند باهم و با دیگر ملل، ائتلاف و همبستگی داشته باشند (همبستگی ملی و منطقه‌ای) و در این صورت ارتباطات و رفت و آمد و تکاپوی اقتصادی آنها نیز تقلیل می‌یافت و زمینه‌های معنویت و عبادت خدا نیز از بین می‌رفت و گرسنگی و ترس، سایه شوم خود را بر جامعه می‌گستراند؛ بدین

ترتیب می‌توان گفت که:

ائتلاف و همبستگی: (همبستگی ملی و منطقه‌ای) (ائتلاف قریش)

امنیت شهر و کشور و بی‌اثر ماندن بدنتیتی متجاوزان

ایمنی از دو ویروس: گرسنگی و ترس

توحید در عبادت و معنویت، توسعه و تعالی فرهنگ

توسعه اقتصادی و افزایش ثروت: (رحلة الشتاء والصیف)

نکته بسیار جالب «سوره قریش» این است که: قرآن، در مقابل نمونه سنتی صحراگردی و حشم‌داری و شترچرانی، به‌الگوی اقتصادی نوین؛ «رحلة الشتاء و الصیف» یعنی: تجارت و داد و ستد، آن هم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، اشاره می‌کند.

در قرن ششم میلادی، به دنبال نفوذ حبشیان بر یمن و انتشار مسیحیت در منطقه جنوبی و گسترش ارتباطات امپراطوری روم با پارت‌های آنجا، بخصوص در رقابت با ایران؛ پتانسیلهای اقتصادی تازه‌ای برای تجارت در جزیره‌العرب پیدا شده بود. رویه آنکه، سد مراتب، بی‌در حوب و بی‌رشد و کشاورزی از رونق افتاده بود

فعالیت‌های بازرگانی می‌توانست موجبات پیدایش ثروت و تأمین مواد غذایی و رفاه و آسایش را فراهم آورد و بر میزان شهرنشینی در جزیره العرب (در مکه، طائف، یثرب، مدین، دوحه الجندل و ...) بیفزاید و این جزیره را از رخوت و انزوای جغرافیایی، اقتصادی و انسانی و سیاسی آن روزگار به در آورد و با جهان بیرون (یعنی ایران و حبشه و شام و مصر) ارتباط دهد و فرهنگ عرب را توسعه بخشد. همچنین رفت و آمد ضرورت حفظ امنیت آنها و راهها، عرب را بسوی ائتلاف قبایل باهم و در درون هم سوق می‌داد و بدین ترتیب پیمانها و قراردادهای و قانونگرایی و سواد و خواندن و نوشتن را در نظر آنها اهمیت بخشید. (۱۲)

بدین ترتیب کارکرد توسعه بخش کوچهای زمستانه و تابستانه (شام و تابستانه مکه و زمستانه یمن) معلوم می‌شود که البته خود نیز از ائتلاف مشروب می‌شد و هم بدان ضرورت می‌بخشید و این همه به نوبه خود محتاج امنیت بود. و از اینجاست که رویکرد عقلایی قرآن در توجه به امنیت و توسعه و نسبت بین آن دو قابل استشمام خواهد شد.

۴- جایگاه امنیت اجتماعی در فلسفه دین و هدف انبیا:

وقتی امنیت را مورد تحلیل مفهومی قرار می‌دهیم به عناصری از قبیل ذیل، مواجه می‌گردیم:

الف- آدمکشی نباشد.

ب- مال کسی به غضب گرفته نشود.

ج- به ناموس و حیثیت کسی تجاوز نگردد.

د- حقوق و آزادی‌های افراد مصون بماند.

ه- دزدی نشود و ...

با اندک مروری به تاریخ ادیان و کارنامه انبیا و تعالیم و برنامه‌های آنها در خواهیم یافت که: امنیت اجتماعی و لوازم کاربردی آن - که به برخی از آنها برای مثال اشاره شد - چه جایگاه مهمی در «دین» داشته است:

۴-۱. در دیگر ادیان:

چنانچه که می‌دانیم یکی از مسایل با اهمیت ادیان؛ اعتقاد به خدا و نیز اعتقاد به روح و حیات پس از مرگ بوده است. از انسانهای «نئاندرتال» و «کرومانیون» (بین ۲۵ تا ۱۰۰ هزار سال پیش) و نیز انسانهای «دوره نوسنگی» یعنی از ۱۰ هزار تا ۳ هزار سال پیش از میلاد گرفته تا بدویان معاصر و عموم دینداران؛ برآنند که: اموات زنده و باقی می‌مانند و پیش خدا می‌روند.

به خاطر همین، انسانهای ماقبل تاریخ و بدویان معاصر، وسایل و اشیایی یا مردگان دفن می‌کردند و می‌کنند. حال ببینیم در دعاهایی که می‌نوشتند و با اموات دفن می‌نمودند چه مواردی آمده است. در نوشته‌ای بر روی پاپیروس که از قبور کشف شده است، چنین آمده:

«درود بر خدای بزرگ، خداوند راستی؛ بنگر که من اینک نزد تو آمده‌ام و در پیشگاه دادگری تو جای گرفته‌ام. من گناهی نکرده و کار ناشایستی بجا نیاورده‌ام ... هیچ کس را گرسنه نساختم، مایه بدبختی و زاری کسی نشده‌ام، کسی را نکشته‌ام و به کشتن کسی فرمان نداده‌ام ... من زنا نکردم و از میزان کیل (کیلو) و پیمانۀ حبوب نکاستم و کفۀ میزان را سنگین نکردم. در علامت نقش مهرها، تزویر و تقلب نکردم؛ طفل را از پستان مادر جدا نساختم دچار و چارپایان و مواشی و (گاو، گوسفند، و شتر و ...) را از چراگاه خود دور نکردم، جلوی آب جاری سد نساختم و دیگران را از آب نهرها و مجاری میاه (آبها) محروم ننمودم.» (۱۳)

همان طور که ملاحظه می‌کنیم، دغدغه دینی انسان ماقبل تاریخ این بود که اگر؛ «امنیت عمومی» را به خطر اندازد، روحش ناپاک می‌شود و در پیشگاه خداوند کیفر می‌بیند. ادیان به امنیت ارجح نهاده‌اند؛ در «مینوی خرد» که از منابع زرتشتی است، چنین آمده:

«پرسید دانا از مینوی خرد که، کدام سرور ... بدتر است ... پاسخ داد ... آن سرور بدتر است که نتواند کشور را ایمن و مردمان را بی‌ستم دارد ... و آن سرزمین بدتر است که به نیکی و ایمنی و آسایش در آن نتوان زیست.» (۱۴)

در همین کتاب آمده که، روان آدم درستکار؛ پس از مرگ به زیباترین صورت بر وی تجلی می‌کند و می‌گوید:

«من ... کردار نیک توام: ای جوان نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار و نیک دین. چه تو در گیتی (دیدنی که کسی دیو پرستی کرد، آن گاه تو نشستی و پرستش ایزدان کردی و چون دیدی که کسی ستم و دزدی کرد و مردم نیک را آزرده و تحقیر کرد و خواسته (دارایی) از بزه اندوخت آن گاه تو ستم و دزدی خویش را از آفریدگان بازداشتی و به مردم، نیک اندیشیدی و مهمانی و پذیرایی کردی و هدیه دادی ... و خواسته از درستی اندوختی و چون دیدی که کسی داوری دروغ و رشوه ستانی کرد و گواهی به دروغ داد، آن گاه تو نشستی و سخن راستی و درستی گفتی. منم این اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیکی که تو اندیشیدی و گفتی و کردی ...» (۱۵)

در اینجا باز هم می بینیم که، مواردی مورد تأکید قرار گرفته (مثل: دوری از ستم، دزدی، مردم آزاری، تحقیر، خوردن اموال مردم، دروغ، رشوه، گواهی دروغ و ...) که امنیت با آنها تشکل می یابد و محقق می شود.

در منظومه «هومر»، درباره خدایان چنین آمده است:

«طوفان خشم کبریایی او بر آدمیانی که در دادگاه های خود، داوریهای غیر عادلانه می کنند و عدالت را تسلیم بی قانونی و اراده استبدادی می نمایند و غضب آسمانی را به چیزی نمی شمارند، فرو می بارد.» (۱۶)

بار دیگر شاهدیم که چگونه خدا، ضد بی عدالتی و داوری بیدادگرانه و اراده استبدادی است و در نتیجه، حامی امنیت می باشد.

منهای (نهی شده های) همگانی آیین بودایی نیز، عبارتند است از: «نهی از قتل، دزدی، زنا، دروغ گویی و شرب مسکرات.» (۱۷) همان طور که در ده فرمان موسی (سفر خروج، آیات ۱ تا ۱۷ از باب بیستم) هم آمده: «قتل مکن، دزدی مکن، زنا مکن، شهادت دروغ مده، حق همسایه را ضایع مکن و ... نمونه ای دیگر از کلام هیوه از زبان اشعیا برای بنی اسرائیل است:

«منظور شما از قربانی کردنهای بی شمارتان به پیشگاه من چیست؟ خداوند می گوید: من از پیشکشهای سوخته میشها و ذبۀ جانوران مردار لبریز شده ام و از خون گوساله های وحشی یا بره ها یا بزغاله های نر خوش آیندم نیست. هنگامی که در مقابلم ظاهر می شوید، چه کسی از شما خواسته که با دستانی پر پا به درون بارگاهم گذارید؟

خیراتی نکنید، عود به مشامم زهر است. ماه نو و شنبه ها، فراخوانیهای گروهی مرا تاب تحملشان نیست. بی انصافی است اما حتی گردهماییهای رسمی را تاب نمی آورم. جان من از ماه های نوی شما و ضیافت های از پیش معلوم شده تان نفرت دارد، زحمتی است بر دوش من؛ خسته از تحمل آنهایم. دستانتان آغشته به خون است، بشویید خود را. پاک کنید خود را. از اعمال زشت دست کشید. انجام کارهای نیک را فراگیرید، به جستجوی عدالت بر آید. ستمدیدگان را تسکین بخشید.

یتیمان را دستگیری و برای بیوگان استفاده کنیم.» (۱۸)

عیسی (ع) نیز گفت: درونمایه تورات و صحف انبیا این است:

«خداوند خدای خود را به تمام دل، تمام نفس، تمام توانایی و تمام فکر خود، محبت نما و همسایه خود را مثل نفس خود [دوست بدار].» (۱۹)

نتیجه:

از تمامی این مباحث، چنین نتیجه می گیریم که: انبیا در فراسوی تمامی تعالیم، احکام و برنامه های خود؛ به توسعه و تعالی فرهنگ و جامعه می اندیشیدند و از جمله به «امنیت اجتماعی مردم» اهمیت می دادند (البته با روشهایی متناسب با فرهنگ هر قوم و مقتضیات هر دوره و زمانه و جامعه).

۴-۲. در اسلام:

در شریعت محمدی نیز، این حقیقت آشکار است که جهت رعایت اخصار؛ نمونه ای از آن، ضمن جدول ذیل به وضوح نشان داده می شود:

«امنیت در شریعت اسلام»

نمونه ای از احکام و مسایل	توجه به امنیت
شریعت	
نماز	محل نماز و جامه نمازگزار نباید غضبی باشد. همچنین نماز موجب ایمنی و

آرامش دل‌های دینداران می‌شود.	
با بستن احرام، حج گزار نباید حیوانی را بکشد، مشاجره کند، دروغ بگوید، درختی یا حتی علفی بکند، خونی از بدن در آورد، فحش بدهد، مویی از بدن بگند، سلاح حمل کند و ...	حج
هر کس پشت سر دیگری بدگویی کند یا دروغ بر زبان بیاورد و ذره‌ای ستم بورزد و به زیردستان آزار دهد؛ روزه‌اش باطل می‌شود. (وسائل الشیعه ۲۱/۷ و ۹-۱۱۲)	روزه
دفاع از امنیت آب و خاک و اموال و نفوس و ناموس.	جهاد
صلح و امنیت (بنگرید به بخش ۷ فصل بعدی).	تأیید حرمت ماه‌های حرام
تأمین اجتماعی و کاهش دزدی، شورشگری و عصیان محرومین و تهیدستان.	خمس و ذکات و ...
موجب امنیت خاطر افراد و حفظ حقوق و حیثیت آنها می‌شود.	حرمت دروغ، غیبت، افترا و حدّ مربوط به قذف (به بدی نسبت دادن) و نهمت
امنیت عرض و ناموس مردم.	حدود مربوط به زنا و لواط و ...
بر اثر قمار و میگساری، عرب به زد و خورد باهم می‌پرداخت و امنیت عمومی به خطر می‌افتاد. قرآن در آیه تحریم خمر و قمار می‌گوید: «شیطان می‌خواهد با آن دو در میان شما دشمنی	حرمت قمار و میگساری (۹۱-۹۰ مائده)

و کینه پدید آورد. گویند این آیه وقتی نازل شد که مسلمانان در ضیافتی بد مستی کردند. «سعد بن رقاص» شعری در هجو انصار خواند و مردی از انصار با استخوان شتر بر سرش زد به گونه‌ای که شکست و سفیدی آن پیدا شد.	
امنیت جان مردم؛ با این شعار: «بر آن گو کسی را بنا حق بکشد گویا همه مردمان را کشته است.» (مائده / ۳۲)	حرمت نفس محزومه و احکام قصاص و دیات (مائده / ۳۲، ۴۵- بقره / ۱۷۹)
امنیت اموال.	حدّ دزدی
امنیت عمومی. امنیت زندگی خصوصی.	کیفر محاربه با خدا و فساد فی الارض حرمت وارد شدن به خانه کسی. (نهی از تجسس) (۲۸ و ۲۷- نور) (۱۲/ احجرات)
تأمین جان و مال مردم.	احکام ضمان
امنیت قضایی و حقوقی مردم.	احکام قضا و شهادت
تضمین امنیت اقلیتها.	احکام ذمه
برای امنیت زنان و مصونیت آنها از آزار و اذیت (ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین) (۵۹/ احزاب).	احکام مربوط به پوشش
مسلمان کسی است که دیگران از دست و زبانش سالم و مصون بمانند.	عنوان مسلمانی (مسلم) و شعار اسلام (سلام)
تأمین اجتماعی کودکان بی سرپرست و آسیب پذیر.	تأکید و توجه به یتیمان در قرآن
تأمین اجتماعی و توانبخشی.	سفارش اکید به انفاق، صدقه، خیرات، اطعام و کمک به مسکین و فقیر و ...

امنیت بردگان و آزادی آنها.	مساعی شرع محمدی درباره بردگان مثل: احکام عتق، مکاتبه، یکی از موارد مصرف ذکات، استیلاء، ضرب، کفاره و تأکید بر نیکی به بردگان و اسرا و بستن راه بردگی به انواع حیل ممکن.
امنیت جهانگردی.	ابن السبیل: (در راه مانده‌ها)
امنیت خاطر در زندگی اجتماعی و روزمره.	حق همسایه
امنیت زن در جامعه‌ای مردسالار.	حقوق زنان
امنیت مخالفان که در صدد تفحص از دین ما هستند. (امنیت محققان و پژوهشگران دگراندیش).	حکم استجاره (پناه خواستن) و استیمان (امان طلبیدن) مشرکان: «اگر یکی از مشرکان به تو پناهنده شد، پس پناهِش ده تا گفتار خدا را بشنود، سپس او را به مأمن خویش برسان...» (۶/توبه)
امنیت افراد اعم از اینکه چه عقیده‌ای داشته باشند.	«نفی اکراه در دین و ردّ سلطه و جباریت و سیطره (لا اکراه فی الدین) / مذکر ائمتا انت مذکر لست علیهم عصبیطر ما انت علیهم بجبار...»

«خدایان شما را باز نمی‌دارد از آنان که با شما در دین جنگ نکردند و شما را از خانه‌های خویش بیرون نرانند که نیکی کنید با آنان و از در دادگری با آنان در	امنیت دیگر اقوام و ملل از جانب ما: «همزیستی مسالمت‌آمیز».
---	---

آیید. (۸/ممتحنه)	یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود (۱) / امنیت طرفهای قرارداد و عهد و پیمان. مانده)
قاعده: «ید» و «تسلیط» و «لاضرار»	امنیت اموال.
تأیید عرف سالم عرب یعنی شورا و بیعت	امنیت سیاسی مردم از ناحیه خودکامگی و استبداد و حکومت به زور و بدون توافق و رضایت مردم.
از هدفهای حکومتی علی (ع) به زبان خود او.	نیامن المظلومون من عبادک / (خطبه ۱۳۱) (تا بندگان ستمدیده تو امنیت یابند). و تأمن به السبل / (خطبه ۴۰). (و راهها به وسیله او امنیت یابد).
دوست ندارد خداوند بلند سخن گفتن را به گفتار زشت، جز آن کس که ستم بر او شده است و خداوند شنوای داناست (۱۴۸/نساء)	امنیت برای مظلوم.
می‌دانیم که طولانی‌ترین آیه قرآن درباره «ذین» می‌باشد که در آیه ۲۸۲ بقره آمده است. این آیه طولانی ۱۵ سطری در مورد یک امر کوچک یعنی: قرض دادن و قرض گرفتن و معاملات روزمره می‌باشد. با تلاوت آیه متوجه می‌شویم که قرآن برای یک چنین امر اخروی، چقدر تدابیر و تضمینهای عقلایی می‌اندیشد و چه توصیه‌ها و تأکیدهایی می‌کند و عبارتهای مکرر و مؤکد می‌آورد مانند:	اهمیتی که قرآن برای «امنیت اموال مردم» و ایمنی و اعتماد متقابل اجتماعی در گردش و انتقال ثروت داده است.

- ضرورت نوشتن سند: (فاکتوه).
- نوشتن به عدالت: (و لیکن بینکم کاتب بالعدل).
- املائی صحیح و بی کم و کاست: (و لیملل الذی علیہ الحق ولیق الله ربه و لاینحس منه شیئاً).
- ضرورت انتخاب ولی برای: سفیهان، ضعیفان و ... بر اساس نمونه (فان کان الذی علیہ الحق سفیهاً اوضعیفاً اولاً یستطیع ان یمیل هو فلیملل و لیه بالعدل).
- لزوم گواهان و ...: (و استشهدوا شهیدین ...).
- نوشتن خرد و کلان ...: (و لا تسموا ان تکتبه صغیراً او کبیراً الی اجله ...).
- نرساندن آزار به گواهان و کاتبان ...: (ولا یضار کاتب ولا شهید ...).
- و ...

نتیجه نهایی: «رویکرد عقلایی و بهبود گرایانه انبیا در هزاره‌های نخستین»

بدین ترتیب احساس می‌شود که انبیا و از جمله پیامبر اسلام (ص)، رویکردی عقلایی داشتند. هدف آنها توسعه و تعالی زندگی مردم و بهزیستی آنان و بهبود و اصلاح و سلامت فرهنگ و جامعه در جهت شکوفایی انسان بود. انبیا مذهب را تأسیس نکردند، آنها وقتی مبعوث شدند که اعتقادات و ادبیات مذهبی مثل: خدا و آخرت و نیایش و نذر و قربانی و ... در جامعه رایج بود. آنها فرزند صالح روزگار خود بودند، به زبان و فرهنگ و ادبیات مردم سخن می‌گفتند و با بصیرتهایی وحی‌گرا به درونمایه فرهنگ جامعه خویش نفوذ می‌کردند و به تناسب

هر دوره و زمانه و جامعه؛ و با توجه به مقتضیات و شرایط و اوضاع و احوال، ادبیات مذهبی هزاره‌های نخستین تاریخ جوامع را در جهت درست اندیشی، نیک رفتاری، اخلاق راستی، دل‌آرامی و صفا و صمیمیت معنوی، برای مردم باز تعریف و باز تفسیر می‌کردند و تهذیب و تعالی می‌دادند. هدف اصلی انبیا این بود که بدین طریق؛ مردم را بسوی امنیت، عدالت، معرفت، فضیلت، معنویت و حقیقت هدایت کنند.

- امنیت
 - عدالت
 - معرفت
 - فضیلت
 - معنویت
 - حقیقت
- سلامت و سعادت
و
کمال مادی
و
معنوی

امروزه اهمیت این اهداف نیز برای هر مصلح و فرزانه خیراندیش، به قوت خود باقی است و همان‌طور که می‌دانیم یکی از اساسی‌ترین اهداف فوق را، امنیت تشکیل می‌دهد. چنانکه مشاهده می‌شود، انبیا در مضمون اعتقاد به خدا و آخرت، در دل و زرفای احکام و سنتها و شعایر؛ هدفهای یاد شده و از جمله «امنیت» را جستجو می‌کردند و تعالیم آنها، انسان را به نظم و ثبات و انضباط و امنیت اجتماعی سوق می‌داد.

بعضی از پژوهشگران، یکی از علل پدید آمدن زمینه‌های «قانونگرایی» غرب را در این دانسته‌اند. نفوذ دین در قرون وسطا و احکام و اخلاقیات مسیحی، آنان را به روح انضباط اجتماعی و رعایت حقوق همدیگر عادت داده و روح نظم‌گرایی و

وظیفه‌شناسی مسؤلیت‌پذیری را در آنها پرورش داده بود. آنها بسیار استعداد و آمادگی داشتند که به قوانین و مقررات اجتماعی تقیدی (پابندی) درونزا نشان دهند، بدین ترتیب ریشه ساخت قانونی جامعه غربی به تاریخ مذهبی آن جامعه برمی‌گردد (۲۰).

۵- دین، امنیت و مکانیزمها:

مقدمه: دین در میان دو کارکرد مثبت و منفی:

ما در دنیای علل و اسباب بسر می‌بریم. هر چیزی موجبات، لوازم و شرایط خاص خودش را می‌طلبد؛ نظم و ثبات و امنیت اجتماعی نیز، ساختار و ساز و کارها و مکانیزمهایی دارد و به‌گزارف فراهم نمی‌آید و تا جایی که به امر دین مربوط می‌شود، از دو حالت خارج نیست. ادیان و تعالیم آنها یا رویکردی عقلانی به منطق زندگی دارند و یا فاقد چنین امری هستند.

هر قدر که طیف ادیان و سرشت و ساختار آنها به شق اول نزدیکتر بودند به همان میزان نیز به مسایل حیات، از جمله: مسأله «امنیت» با واقع‌گرایی می‌نگریستند و تدابیر عقلایی اتخاذ می‌نمودند و در غیر این صورت مردم را به توهمات و خیالات واهی، خرافات بی اساس و تعصبات زانبار دچار ساخته و از عینیت‌های ملموس حیاتی دور می‌ساختند.

اما موضوع تنها به اینجا ختم نمی‌شود، به تعبیر «هیوم»، یک دین هر اندازه هم معقول و منطقی باشد، در دست مردم ابله و بی‌دانش تباه می‌شود و بدترین خاصیتها و کارکردها را پیدا می‌کند. در واقع بیش از تعالیم مجرد یک دین، طرز تلقی و روحیات پیروان آن دین، تعیین کننده است.

اینکه بگوییم: انبیا رویکردی عقلایی به مسایل زندگی داشتند، نمی‌تواند کافی و قانع‌کننده باشد، بلکه بینش و منش پیروان آنها نیز شرط است. اگر اهل یک دین از آگاهی و خردمندی بهره‌اندک داشته باشند، به تبع برداشت دینی و رفتار مذهبی آنها نیز؛ نابخردانه و کذب خواهد بود.

برای نمونه در اسلام، تا حدی که به روح تعالیم اصیل کتاب و سنت مربوط می‌شود

به گمان ما، عنصر علل‌یابی و تدابیر عقلایی و مایه‌های واقع‌گرایی در میان بوده و از جمله در باب امنیت نیز به ساز و کارها و مکانیزمهای مؤثر و کارآمدی متناسب با شرایط آن روزگار، توجه شده است.

اما این امر کفایت نمی‌کند، چراکه سطح فکر و فرهنگ مسلمانی نیز شرط است. آنان به میزان رشد درجه عقلانیت و واقع‌گرایی خود می‌توانند با جانمایه‌های عقلایی و روح مثبت و سازنده اسلام اصیل، دمساز و مانوس و آشنا شوند و از آن در جهت پیشرفت و ترقی، الهام بگیرند؛ عیناً مانند مسیحیان که پس از نهضت پروتستانتسم، برداشتی دیگر از تعالیم مسیح و معنا و ابزارهای مسیحیت به دست آوردند و آن گونه که «ماکس وبر» توضیح می‌دهد، تعالیم نوآندیشانه و عقل‌گرایانه مسیحی، به توسعه حیات و پیشرفت و ترقی و انسان‌گرایی در میان اروپاییان یاری رسانید.

اینک به محور اصلی سخن باز می‌گردیم. چنانکه گفتیم: نظم و ثبات و امنیت اجتماعی، آن قدرها هم که می‌گویند آسان به دست نمی‌آید و در هر شرایطی و به‌گزارف نیز فراهم نمی‌گردد، بلکه به ساختار و ساز و کارها و مکانیزمهایی نیاز دارد. همان طور که با حلاوا- حلوا گفتن، دهان کسی شیرین نمی‌شود، امنیت نیز بدون تمهیدات و تضمینهای لازم، صورت واقع نمی‌یابد. به عبارت دیگر، تا پاره‌ای از موانع ساختاری رفع نگردد؛ نظم و ثبات و امنیت اجتماعی همچنان آسیب‌پذیر خواهد بود.

در جدول ذیل به برخی از مکانیزمهای اجتماعی نظم و ثبات و امنیت، و همچنین موانع ساختاری موجود بر سر راه آن اشاره می‌کنیم و رویکردهای نهفته در دل قرآن و سنت مربوط به آن موارد را باختصار و نمونه‌وار ذکر می‌نماییم:

مکانیزمهای اجتماعی نظم و امنیت و موانع ساختاری آن	رویکردهای موجود در دل قرآن و سنت
۵-۱. فقر، نابرابریها؛ مسأله عدالت و تأمین اجتماعی؛	
الف- □ فقر اقتصادی، هم با خود فقر فرهنگی می‌آورد و هم باعث افزایش	* توجه و تأکید قرآن برای حل مسأله فقر و تأمین اجتماعی، مانند: «انفاق»

<p>مشاجرات، خشونت، پرخاشگری، روح عصیان‌گری، آدم‌کشی، دزدی و بزه‌کاریهای مشابه می‌شود که تمامی این‌ها موارد، ریشه‌های امنیت را می‌سوزانند.</p>	<p>ذکات، ماعون (آنچه که از آن کمک جویند و سود ببرند)، انفاق (بخشش‌ها) نهی ربا و...</p>
<p>ب- □ فقر معمولاً با نابرابریهای اجتماعی نیز همراه است و به تبع اختلافات فاحش طبقاتی هم با خود؛ بیگانگی، ناهمبستگی، کینه، عداوت، عقده‌ها، تعارضها، بی‌نظمیها و حتی شورشهای اجتماعی به ارمغان می‌آورد و بطور کلّ امنیت را بر باد می‌دهد.</p>	<p>* فقر موجب کینه‌های اجتماعی می‌شود: (فانّ الفقر ... داعية للمقت) (نهج البلاغه حکمت ۳۱۱) * ... تا ثروت است، گردان اغنیاء از میان شما نشود: (کیلا یکون دولة بین الاغنیاء منکم) (حشر ۷)</p>
<p>ج- □ در جامعه‌ای که نسیم عدالت اجتماعی، دل‌های شکسته و خسته را نمی‌نوازد و تأمین اجتماعی بر جانهای آزرده، آسیب‌دیده و دردمند مرهم نمی‌نهد، چگونه می‌توان انتظار نظم و ثبات و امنیت اجتماعی داشت.</p>	<p>* ... پیرمرد نابینایی تک‌دلی می‌کرد، حضرت علی بن ابیطالب (ع) او را دید و پرسید: این کیست؟ گفتند یا امیرالمؤمنین، فردی مسیحی است. فرمود: آیا از او کار کشیدید تا اینکه بیرون ناتوان شد و سپس از کمک به او دست کشیدید؟ او از بیت المال انفاق کنید: (استعملتموه حتی اذا کبرو عجز منعموه انفقوا علیه من بیت المال) (۴۹/۱۱) (وسایل الشیعه)</p>
<p>د- □ در جامعه‌ای که نابرابریهای اجتماعی به انبوهی از قشرهای ندار و فقیر دهن‌کجی می‌کند و ریشخند می‌زند؛ چگونه می‌توان خواست که: «زندگی کنید و بگذارید دیگران نیز</p>	<p>* «جامعه‌ای که در آن نابرابری هست، انسانها به آسانی توسط اهریمن شکار می‌شوند و «خیر و نیکی» پیوسته در آدبار، و شر در اقبال خواهد بود.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹)</p>

<p>زندگی کنند؟ برعکس، آنجا عرصهٔ تنازع بقا می‌باشد و منطق «بکش تا زنده بمانی» حکومت می‌کند و دیگر چه جای نظم و ثبات و امنیت؟</p>	<p>* نیربندگید به تأکیدات قرآن و سنت بر عدالت.</p>
<p>الف- □ کار جوهر حیات؛ صدای زندگی، راز بقا و سر دوام بشر و مایهٔ فعلیت و شکوفایی آدمی و عامل بروز استعدادها و آثار وجودی او می‌باشد. بیکاری منشأ انواع تباهیها و بزه‌کاریها و عامل مهم سلب امنیت از حیات اجتماعی است که موجب پدید آمدن نارضایتی‌ها، ناسازگاریها و اختلال در نظم و ثبات جامعه می‌شود.</p>	<p>۵-۲. بیکاری: مسأله اشتغال؛ * توصیه‌های مؤکد اسلام به اهمیت کار و تلاش برای به دست آوردن روزی و حمایت همه جانبهٔ حاکمان از تجار و صنعتگران، نشان دهندهٔ رویکرد عقلایی این دین نسبت به زندگی است: «هر کس، آبی و خاکی بیابد و فقیر بماند از رحمت خدا دور می‌شود.» (۱۴/۱۲) (وسایل الشیعه)</p>
<p>ب- □ به دشواری می‌توان از خیل بیکاران اجتماعی انتظار داشت که؛ شهروندانی خلاق، سازنده و علاقه‌مند به مشارکت و مساهمت (شریک شدن) اجتماعی باشند. یا تمامیت ارضی کشور و امنیت ملی را مهم شمارند، به آب و خاک و طبیعت، و به در و دیوار و کوی و برزن و تأسیسات شهری؛ احترام بنهند و نظام اداری را از آن خود بدانند.</p>	<p>* «خداوند صاحبان حرفه را که امین نیز باشند، دوست می‌دارد.» (۴/۱۲) (وسایل الشیعه) * «ای مالک دربارهٔ تجار و صنعتگران به نیکی سفارش کن.» (نامه ۵۲ نهج البلاغه) * «زارعان، گنجینه‌های خداوند در زمین هستند.» (۲۵/۱۲) (وسایل الشیعه) * «خداوند خواب زیاد و بیکاری زیاد را ناپسند می‌شمارد.» (۲۵/۱۲) (وسایل الشیعه)</p>
<p>ج- □ ب- بیکاران حس عضویت و</p>	<p>* در هنگام ظهور اسلام، سازماندهی</p>

مسئولیت در گروه اجتماعی را از دست می دهند. احساس می کنند که نظم و ثبات و امنیت موجود، آنها را قطعه-قطعه و پایمال می کند و به هر صدای تغییر با خوش باوری و ساده لوحی گوش می حوابانند و بناچار از «آب ناامنی و بی نظمی» ماهی جستجو می کنند.

اجتماعی به گونه کنونی نبود. دولت و نظام اداری به مفهوم امروزی وجود نداشت و کارها کمتر سازمان یافته و بیشتر فردی بود و هر کس خود می توانست به سادگی در طبیعت و جامعه کار کند و به همین سبب، چنین توصیه ای در اسلام وجود داشته است. مشخص است که اگر قرآن و پیغمبر با آن رویکردهای عقلایی، در این زمان ظاهر می شدند، تدابیر جدی و عصری درباره اشتغال مردم اتخاذ می کردند. چیزی که امروزه باید با توسل به خرد و دانش آن را حل کنیم (به تأکیدات کتاب و سنت به اهمیت و حجیت «عقل و علم» توجه نمایید).

۳-۵. نفی استبداد و خودکامگی و حکومت مطلقه و دعوت به آزادی و حاکمیت مردم و مشارکت کامل آنها

الف - □ مردم با شرکت تمام عیار در بازیهای زندگی اجتماعی، قواعد آن را یاد می گیرند و علاقه مند به رعایت آنها و پایبند به حکم داوران می شوند. ساختارهای سیاسی توتالیتر و تمام طلب و خودکامه، دشمن خطرناک نظم و امنیت و ثبات هستند و نه تنها ایمنی جان و مال و حیثیت را از آحاد و

توجه و تأکید اسلام به عدالت و شورا و بیعت و حق مردم در تأسیس حکومت و نظارت بر آن و حق ظنن شدن مردم به حکومت و توضیح خواستن از آن و نصیحت کارگزاران. ● همچنین قبول مالکیت خصوصی در اسلام که خود مانع تبدیل دولت به مالک منحصر به فرد و در نتیجه پدید

گروه های مردم سلب می کنند بلکه امنیت ملی و ثبات اجتماعی را سبزه مخاطره جدی می اندازند. وقتی آحاد و گروه های اجتماعی نمی توانند در سرنوشت خود مساهمت و مشارکت کنند و نمی توانند درباره تصمیم گیریهای کارگزاران نظر بدهند و مشاوره و انتقاد کنند؛ چطور انگیزه حفظ وضع موجود را خواهند داشت؟!

آمدن دیکتاتوری می شود. مالکیت های متعدد و متکثر خصوصی در دست مردم، تعدیل کننده قدرت سیاسی هستند. مالکیت مساوق و پشتیبان آزادی است؛ بر ملتی که ثروت آنها افزایش می یابد، نمی توان زور گفت و سلطه یافت.

ب - □ از سوی دیگر، استبداد و خودکامگی سیاسی یا خود، بیگانگی ملت و دولت و روان شناسی قهر مردم را در پی خواهد داشت و در این صورت، استقلال کشور و امنیت ملی آسیب پذیر خواهد شد.

● الناس مسلطون علی اموالهم. ● الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم.

ج - □ همچنین وقتی شفافیت سیاسی و فرهنگی موجود نباشد؛ خطاها نیز مشاهده نمی شود و هرگونه اشتباه و زاویه های کوچک انحراف می تواند تراکم یافته و موجب تهدید نظم و ثبات اجتماعی گردد و بجای فعالیت های قانونمند حزبی و مطبوعاتی، زمینه را برای حرکت های زیرزمینی مخرب و براندازنده پدید آورد که خود مغایر با امنیت و قانونمندی اجتماعی است. یعنی بجای آزادی های روزمره و عادی نهادینه شده؛ هرج و مرج و شورشگری

● «مالک! بر مردم جانوری درنده مباش که فرصت را غنیمت شمرده آنها را بخوری! چرا که یا برادر تو و یا همتو تو هستند ... و مگو من فرمان داده شده ام، دستور می دهم و باید اطاعت شوم که این موجب قباهی دل، نابودی دین و سرعت زوال و تغییر حکومت می شود (نهج البلاغه، نامه ۵۲) ● «مالک! ... اگر مردم به تو بدگمان شدند که بر ایشان ستمی کرده ای، هر عذری داری به آنها بگو و آشکار کن و سوظن آنها را برطرف ساز.» (همان).

<p>و از هم گسیختگی و ناامنی خواهد بود.</p> <p>د- □ وضعیت اقلیمی خاص این مرز و بوم (مثل: آب کم، وسعت اراضی، تنوع اقوام و ...) از آغاز مستعد رشد نوعی استبداد در فرهنگ و جامعه ایرانی بوده است [مثلاً: نیاز به کندن قناتهای طولانی موجب می شد که دولت در مسأله آب، و به تبع در زندگی مردم دخالت زیادی نماید و به استبداد بگراید] ساختار استبدادی نیز هرگز نمی توانسته، امنیتی درونزا و پایدار در کشور پدید آورد و نتیجه آن می شد که امنیت کشور ما بشدت شکننده و آسیب پذیر گشته و با هر دگرگونی در عرصه سیاست، مورد تهدید جدی قرار می گرفت.</p>	<p>و از هم گسیختگی و ناامنی خواهد بود.</p> <p>د- □ وضعیت اقلیمی خاص این مرز و بوم (مثل: آب کم، وسعت اراضی، تنوع اقوام و ...) از آغاز مستعد رشد نوعی استبداد در فرهنگ و جامعه ایرانی بوده است [مثلاً: نیاز به کندن قناتهای طولانی موجب می شد که دولت در مسأله آب، و به تبع در زندگی مردم دخالت زیادی نماید و به استبداد بگراید] ساختار استبدادی نیز هرگز نمی توانسته، امنیتی درونزا و پایدار در کشور پدید آورد و نتیجه آن می شد که امنیت کشور ما بشدت شکننده و آسیب پذیر گشته و با هر دگرگونی در عرصه سیاست، مورد تهدید جدی قرار می گرفت.</p>
<p>۴-۵ - سیستمهای بسته و عمودی - سیستمهای باز و افقی:</p> <p>الف- □ «در شهر خبری نیست، آسوده بخوابید. شهر در امن و امان است.» این نماد یک سیستم بسته و متمرکز است. مرکزیت در درون حصار ی بسته و پشت عایقبندهای اجتماعی، تصمیم گیرنده نهایی و بی چون و چراست، و مثل یک انگل یا باکتری، کیستی بدخیم پیرامون خود پدید می آورد که از ترشح مرکزیت تغذیه؛ و بزرگ و بزرگتر می شود.</p>	<p>۴-۵ - سیستمهای بسته و عمودی - سیستمهای باز و افقی:</p> <p>الف- □ «پيامبر اسلام (ص) چنین می فرمایند: «خدا را به یاد والی پس از خودم می اندازم در مورد امتم که: در خانه اش را به روی آنها نیندد تا قوی، ضعیف را بخورد» (اصول کافی، ۲/۲۶۳).</p>

<p>ب- □ آنها که در اقمار و پیرامون می باشند، همواره گزارشهای سازمان یافته سطحی به مرکزیت می دهند و مرض سالوس و تملق و چاکرمنشی رشد می کند و در این سوی درهای بسته، «نظام ضعیف کشی» برقرار می شود.</p> <p>هر کس ناتوانتر از خود را از پای در می آورد و به سخره می کشد و نظم و امنیت، لطمه پذیر می گردد و در معرض زوال قرار می گیرد.</p>	<p>«حضرت علی بن ابیطالب (ع) خانه ای را برای شکایات مردم اختصاص داده و «خانه قصه ها» نامیده بود که مردم نوشته های خود را در آن می افکندند» (بیت القمص) (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید) (۱۷/۸۷)</p>
<p>ج- □ از سوی دیگر سیستم بسته؛ استعداد انعطاف و اصلاح و توانایی بهبود مستمر روشها و حل تدریجی مشکلات و پاسخگویی موردی مسایل و رفع به موقع نارضایتی ها را ندارد و تنها، ارقام معکوس ویرانی خود را می شمارد و بدین ترتیب نظم و ثبات درونزای اجتماعی از بین رفته و امنیت ملی همواره در خطر است.</p> <p>د- □ اما در سیستمهای باز و افقی؛ جامعه شفاف است و مطبوعات و رسانه ها آزادند. ارتباطات باز سبب می شود که، سیستم بتواند برای نارضایتی ها پیش از اینکه فشرده و متراکم شوند، چاره جویی نماید و خود را با شرایط متحول، تطبیق دهد و با</p>	<p>«مالکاً بهترین وزیر تو آن است که برایت، بیشتر، حرف تلخ را حق بگوید» (عهدنامه مالک اشتر) (نامه ۵۳ نهج البلاغه)</p>

<p>انعطاف، تجدیدنظر، جبران و ترمیم لازم؛ بقا و پویایی خود را حفظ کند.</p>	
<p>۵-۷. اصل صلح و همزیستی مسالمت آمیز داخلی، منطقه ای و بین المللی:</p>	
<p>الف- [] جامعه ای که پیمانها و قراردادهای را محترم نمی دارد و عرف سالم همزیستی مسالمت آمیز را چه در داخل با ناهمکیشان و دگراندیشان، و چه در بیرون و در سطح منطقه و جهان رعایت نمی کند. جامعه ای که با این یا آن قوم دیگر، از در ستیزه جویی وارد می شود و به واکنش مبادرت می ورزد و تعصب را بر تسامح، جنگ را بر صلح، تضاد و خشونت و پرخاشگری را بر توافق و اتحاد و سازگاری؛ ترجیح می دهد. قبل از هر چیز، صلح و ثبات و امنیت خود را به خطر انداخته است.</p>	<p>● اسلام حرمت عقود و میثاقها را هر چند با مخالفان و ناهمکیشان و دگراندیشان، تأکید کرده و مردم را اعم از برادر دینی یا همنوع به زندگی مسالمت آمیز بر اساس پیمانها و قراردادهای اجتماعی و توافقی متقابل دعوت کرده است. ● (اوفوا بالعقود) (۱/ مائده). ● (فانهم اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق) (نهج البلاغه، نامه، ۵۳). ● (للیهود دینهم وللمسلمین دینهم) [از موارد معاهده پیامبر با همه اقوام مدینه] (سیره ابن هشام از ۴-۵۰۳).</p>
<p>ب- [] دخالت ناروا در کار دولتهای منطقه و جهان و مسایل داخلی آنها و ... می تواند برای امنیت هر کشور تهدید آمیز باشد.</p>	<p>● «خداوند عهد و ذمه خود را سبب امنیت در میان بندگان و حریمی برای آرامش قرار داده است.» (نامه ۵۳ نهج البلاغه).</p>
<p>ج + [] کثرت گرایی و استثنا پذیری هر کشور (قبول اقوام و ملل و آراء و عقاید و اقلیتهای مختلف) از لوازم ثبات</p>	<p>● «هر کسی بر معاهدی آزار دهد، مرا آزار داده است.» (پیغمبر اسلام (ص) تحف العقول ۲۷۸).</p>

<p>اجتماعی است. چرا که آتش تعارضها، کشمکشها و کینه توزیها و نارضایتی ها را خاموش می کند و موجب بسط و انتشار روح تسامح و تفاهم و همبستگی و محبت و انس و الفت و مشارکت و دگرپذیری می شود.</p>	<p>● «و جنگ مکن مگر با کسی که با تو بجنگد.» (نامه ۱۲، نهج البلاغه). ● «خداوند شما را باز نمی دارد از آنان که در دیتتان نمی جنگند و از دیارتان بیرون نمی کنند که با آنها نیکی و به عدالت رفتار کنید.» (۸/ممتحنه)</p>
<p>● «اگر از شما اعتزال و کناره گیری نموده و جنگ نکردند و به سوی شما پیمان صلح افکندند، پس خداوند بر شما علیه آن راهی قرار نداده است.» (۹۰/نسا)</p>	<p>● «اگر از شما اعتزال و کناره گیری نموده و جنگ نکردند و به سوی شما پیمان صلح افکندند، پس خداوند بر شما علیه آن راهی قرار نداده است.» (۹۰/نسا)</p>
<p>● «اگر به صلح تمایل داشتند، تو نیز تمایل نموده و بر خدا توکل کم.» (۶۱/ انفال)</p> <p>● «مبادا صلحی را که دشمن تو بدان می خواند و خشنودی خدا در آن است دفع کنی، چرا که صلح موجب آسایش سپاهیان تو و راحتی تو از آندوهها و امنیت و آرامش برای سرزمین تو خواهد بود.» (نهج البلاغه، ۵۳) (عهدنامه مالک اشتر)</p>	<p>● «اگر به صلح تمایل داشتند، تو نیز تمایل نموده و بر خدا توکل کم.» (۶۱/ انفال)</p> <p>● «مبادا صلحی را که دشمن تو بدان می خواند و خشنودی خدا در آن است دفع کنی، چرا که صلح موجب آسایش سپاهیان تو و راحتی تو از آندوهها و امنیت و آرامش برای سرزمین تو خواهد بود.» (نهج البلاغه، ۵۳) (عهدنامه مالک اشتر)</p>
<p>۵-۸. روش گفت و گو و امتناع متقابل:</p>	<p>الف- [] به سخنان گوش فرا می دهم، تو نیز به سخنان من گوش کن این پرچم سفیدی است که از لهیب آتش، کینه،</p>

<p>عداوت، خشونت، تعصب، تنفر، بیگانگی و پرخاشگری می‌کاهد.</p>	<p>احسن). (۱۲۵/نحل).</p>
<p>ب- □ جامعه‌ای را تصور کنید که در آن از «کنش‌های کلامی» به مقدار کافی بهره گرفته و انسانها باهم ارتباط منطقی دارند و به‌گفت‌وگو و مکالمه می‌پردازند و سعی می‌کنند همدیگر را بفهمند. سخنان یکدیگر را؛ ضمن اینکه همدلانه گوش می‌دهند، باریک بینانه نقد و ارزیابی نیز می‌نمایند. در چنین اجتماعی، بی‌شک «ثبات» افزایش می‌یابد و «امنیت» قوت می‌گیرد.</p>	<p>* (خلق الانسان علمه البيان) (۴/الرحمن).</p>
<p>ج- □ همین که حرف در دل هیچ یک از آحاد و گروه‌ها نمی‌ماند، اگر هم به تفاهم همه جانبه و اقتناع کامل متقابل نینجامد؛ می‌تواند منشأ توافقه‌های نسبی و موقت باشد و بسیاری از عقده‌ها، بیگانگیها، قهرها، سرخوردهگیها، تنشها و تشنجه‌ها را کاهش دهد. چنین جامعه‌ای، هم در برابر تهدیدهای بیرونی و هم نعارضه‌های درونی در امان می‌ماند و مصونیت می‌یابد.</p>	<p>* «بعضی از آراء را با بعضی دیگر برخورد دهید تا در این اثنا «صواب و درستی» متولد شود.» (غرر و درر ۱۳۹/).</p>
<p>د- □ دیالوگهای (گفت و گوه‌ای) اجتماعی همچنین موجب می‌شود که بر دهان فرهیختگان، دانایان، متفکران و دگراندیشان لگام زده نشود و آنان به</p>	<p>«جامعه جاهل از دیدگاه حضرت علی(ع): زبان دانشمندان در لگام و جاهلانش مورد تکریم (عالمها ملجم و جاهلها</p>

<p>ابوزیسیون (گروه مخالف) پنهان، قهار، منتقم و برانداز می‌دَل نگردند. بلکه نقّادان آشکار و خلاق، نیروهای ملی و سازنده، رقیبان منطقی و اهل گفت‌وگو و عامل تنوع و پویایی و پیشرفت و کنترل دموکراتیک اجتماعی و نازیانه تحوّل و تکامل شوند.</p> <p>ه- □ در چنین جامعه‌ای با بهره‌گیری از عقلانیت جمعی؛ مخاطرات و تهدیدهای ملی، به موقع پیش‌بینی و درباره آنها تدابیری اتخاذ می‌گردد و در ضمن نارضایتی‌ها نیز تقلیل، و ثبات افزایش می‌یابد.</p>	<p>مکرم). «(خطبه ۲، نهج البلاغه).</p>
<p>۵-۹. سازگاریهای اجتماعی- روح قهر و عصیان و تعارض اجتماعی:</p> <p>الف- □ ریشه بخشی از آسیب‌پذیریهای مربوط به نظم و ثبات و امنیت ملی را، باید در روان‌شناسی اجتماعی جستجو کنیم. برای مثال: جوانان یک جامعه مسایل روانی و رفتار شناختی خاص خودشان را دارند بخصوص در جامعه ما که ۶۳٪ جمعیت آن را افراد زیر ۲۴ سال تشکیل می‌دهد، توجه به این موضوع را حیاتی ترمی نماید.</p>	<p>* رویکرد عقلایی پیشوایان دینی ایجاب می‌کرده که آنها بر حسب مورد، توصیه‌هایی در این خصوص داشته باشند.</p>

ب- □ جوان با مشکلات و پیچیدگیهای روحی و شخصیتی حادّی روبرو است که از بلوغ جنسی و تحولات پرشتاب جسمی و روحی مقارن آن شروع می شود. او غروری خاص دارد، تشخیص طلب است، تمنای استقلال می کند، می خواهد ابراز وجود نماید، با بعضی چیزها مخالفت و یا مشارکت کند، هویت داشته باشد و خلاصه آنکه بکر شد نقش خود را باز شناسد.

ج- □ طبیعی است که جوانان متعلق به عصری و نسلی دیگر و غیر از عصر و نسل پدران و مادران هستند. زمان بشدت در گذر است و مدام نو می شود و تغییر می یابد. بویژه با دگرگونیها و فرآیندهای پرشتاب و دامنگستری که در عصر ارتباطات و اطلاعات، پیوسته روی می دهد؛ نمی توان از جوان همان انتظارات را داشت که از پدر و مادرش می رفت. عدم پاسخگویی به نیازهای مختلف مادی، معنوی، ذهنی، ذوقی و روحی و روانی او؛ موجب بروز واکنشهایی توأم با سرخوردگی، تعارض، انفصال، قهر، پرخاش و عصیان خواهد شد.

د- □ جوان نیازهای جنسی دارد، بلند

مانند: (لَا تُكْرَهُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَىٰ آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ خُلِقُوا لِغَيْرِ مَا بَيْنَكُمْ) «فرزندان خود را بر آداب خویش به اکراه و اندرید چرا که آنها متعلق به عصری غیر از عصر شما هستند».

(مَنْ كَاتَبَ الْأُمُورَ غَطِيبَ وَ مَنْ افْتَحَمَ اللَّيْلَ جَ غَرِقَ ...
 مِنْ تَعَطَّمَ عَلَى الزَّيْنَانِ أَهَانَهُ وَ مَنْ تَرَغَّمَ عَلَيْهِ أَرْغَمَهُ).

«هر کسی با امور واقع در افتد، بر افتد و هر آن کو با امواج بستیزد، غرق می شود. آنکه بر زمانه، بزرگی بفروشد، زمانه او را خوار و بی مقدار کند. و هر که بخواند با واقعتهای عصر درگیر شود، روزگار بینی او را به خاک بمالد» (روایات از امام علی (ع) نقل شده است).

(دستور معالم الحکم و مأثور مکارم النسیم قصناعی، ابو عبدالله محمد بن سلام؛ تصحیح عبدالزهر حسینی). (بیروت، دارالکتاب الولی ۱۴۰۱ ص ۲۸-۲۹).

پرواز است، احتیاج به آزادی، احترام اجتماعی، نوآوری، اظهار وجود و تشخص دارد. احتیاج به چیزهای جالبی دارد که اوقات فراغتش را به طرزی دلپذیر پر کند (مانند: ورزش، علم، فن، هنر، تفریح و ...) نسبت به نازدهای عصر کنجکاو است. می خواهد بداند که در ماهواره چه می گذرد، می خواهد در جریان اطلاعات شناور فرامرزی (T.B.D.F) غوطه ور گردد. بخصوص اگر احساس کند که بزرگترها می خواهند کنترل یا محدودش نمایند، حریصتر می شود. جوان دربارہ هنجارهای سنتی چون و چرا می کند و مسایل دارد.

ه- □ بویژه در این دوره، درگیر بحران هویت و بحران ایده و عقیده است و این همه، مزید بر مسایل روزمره ای چون: تحصیل، ازدواج، اشتغال، مشارکت و جز آن می باشد. بنابراین هرگونه ناسنجیدگی در برخورد با مسایل جوانان، بخصوص در کشوری با جمعیت جوان، می تواند برای نظم و ثبات و امنیت اجتماعی، مشکل ساز و حتی خطرناک باشد.